

معماری نوسنگی بدون سفال از نویافته‌های زاگرس مرکزی

لیلا کریمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

leila.karimi989@gmail.com

احمد چایچی امیرخیز

استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵)

چکیده

بقایای معماری همواره به‌عنوان «پایه» پژوهش‌های باستان‌شناسی قلمداد شده است، این مدارک محکم را می‌توان به‌راحتی با واژگان، اعداد و طرح‌های دقیق و واضح توصیف کرد. ولی هنوز تفسیر بقایای معماری و زمینه‌های جهان‌بینی که مربوط به رفتارهای اجتماعی بشر است، مشکل‌زا هستند. در عین حال که معماری با بقایای مادی مرتبط است ولی ما باید به‌خاطر داشته باشیم که در نهایت این بقایا منعکس‌کننده آداب و رسوم و جهان‌بینی جوامع مربوطه هستند. شکی نیست که واحد خانه فردی، به‌طور متوالی در یک زمان خاص تغییر می‌کند تا مناسب خانواده‌های هسته‌ای و گسترده، گروه‌ها، قبیله‌ها و غیره شوند.

تقریباً از میانه هزاره هشتم ق.م. در گوشه و کنار جنوب‌غربی آسیا، فنون و طرح‌های معماری رو به گسترش نهادند. عده‌ای بر این باورند که این گسترش ناگهانی با اهمیت رو به تزاید کشاورزی و ذخیره‌سازی غذا و دگرگونی ساختاری فعالیت‌های روزانه همراه با تولید تخصصی اشیاء و ابزار ارتباط داشته است.

با وجود پژوهش‌های فراوان باستان‌شناسی دوره نوسنگی بدون سفال در خاور نزدیک مخصوصاً در لوانت، فعالیت‌های باستان‌شناسی در زاگرس مرکزی در این دوره انگشت‌شمار بوده است. زاگرس مرکزی یکی از مناطق مهم خاور نزدیک است که نخستین تلاش‌های بشر در زمینه یکجانشینی، اهلی کردن جانوران و کشت نباتات در این ناحیه صورت گرفته است. در این پژوهش ضمن معرفی و توصیف کاملی از معماری این محوطه‌ها، نوع مصالح، ابعاد دیوارها و اطاق‌ها، وضعیت دیوار، الحاقات و فضاهای معماری محوطه‌های مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: معماری نوسنگی بدون سفال، چیا سبز، شیخی آباد، کپرگاه.

مقدمه

به دارا بودن امکانات زیست‌محیطی مناسب از قبیل مراتع حاصل‌خیز، زمین‌های مناسب کشاورزی، فراوانی منابع آب و... از دیرباز به‌عنوان سکونت‌گاهی مناسب همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده است. درضمن از زمانی که انسان نیاز به سرپناه یافت تا او را از خطرات در امان دارد، معماری نیز آغاز شد، معماری از ابتدا ارتباط تنگاتنگی با محیط‌زیست داشته است، همچنین معماری تجسم مادی افکار، سنن و آداب هر سرزمین درکنار عواملی محیطی مانند اقلیم است. داده‌های این پژوهش از یافته‌های معماری سه محوطه زاگرس مرکزی هستند که در دهه گذشته کاوش شده‌اند و نسبتاً معماری منسجم و قابل قبولی دارند (تصویر ۱).

مطالعات باستان‌شناسی نوسنگی در زاگرس مرکزی

زاگرس مرکزی از اوایل قرن ۱۹ م. مورد توجه مطالعات باستان‌شناسی بوده است. در حقیقت عامل اصلی این توجه، کتیبه سه‌زبانۀ داریوش در بیستون بود که مورد توجه ایران‌شناسان و سیاحان در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ م. بود. اولین حفاری باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخی زاگرس در تپه‌گیان توسط فرانسوی‌ها انجام گرفت (Contenau & Ghirshman, 1935). از سال ۱۹۶۰ م. توجه نسل جدیدی از باستان‌شناسان به کوه‌های زاگرس مرکزی جلب شد، نقطه آغاز این توجه زمانی بود که پروژه باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ ایران در بنیاد شرق‌شناسی دانشگاه شیگاگو توسط

در تاریخ فرهنگ انسان، دوره نوسنگی دارای جایگاه ویژه‌ای است. این دوره فاصله زمانی در حدود ۱۱۰۰۰ تا ۷۰۰۰ سال پیش را در برمی‌گیرد. جوامع انسانی در این برهه زمانی تحولات عظیمی تجربه کرده که از جمله این تغییرات می‌توان به آغاز و گسترش کشاورزی و دامداری، استقرارهای دائم در خانه‌های ثابت، افزایش جمعیت، تجارت راه دور مواد خام همچون ابسیدین، مهارت بالا در تولید مصنوعات سنگی، آغاز فلزکاری ساده، ساخت و تولید سفال، استفاده از آتش در امور صنعتی همچون تولید سفال، روش‌های ساده از نشانه‌گذاری مالکیت شخصی بر اشیاء و کالاها، انباشت ثروت و آغاز نابرابری‌های اجتماعی و احداث بناهای با کاربری عمومی و مذهبی اشاره کرد (Byrd, 1994; Hole, 2000: 192). با این وجود مهم‌ترین پیامد انقلاب نوسنگی ظهور اقتصاد مرکب با تأکید بر گیاهان و حیوانات اهلی شده بود (Hole, 1984). زاگرس مرکزی یکی از مناطق مهم خاور نزدیک است که نخستین تلاش‌های بشر در زمینه یکجانشینی، اهلی کردن جانوران و کشت نباتات در این ناحیه صورت گرفته است (Zeder, 1999). از یک سو به دلیل موقعیت راهبردی خاص خود و قرار گرفتن در بین مناطقی چون بین‌النهرین، خوزستان، آذربایجان و بخش‌های مرکزی ایران و همچنین عبور راه خراسان بزرگ از این منطقه به مانند پلی ارتباطی نقش بسیار مهمی را در تبادلات فرهنگی میان این سرزمین‌ها ایفا کرده است و از دیگر سو با توجه

و دشت ملایر بود و همچنین بررسی وسیع دشت هرسین و بررسی ناتمام دشت بروجرد توسط مایکل روتمن و خرمدرد توسط جودیت برمن که به جزئیات آن‌ها اشاره نشده است.

بعد از دو دهه وقفه، عبدی بررسی مقدماتی را در طول جاده بزرگ خراسان آغاز کرد، وی سفر خود را از شهر کرمانشاه شروع و سراسر دشت ماهیدشت، اسلام‌آباد، گیلان‌غرب، قصرشیرین را مورد بررسی اولیه قرار داد (Abdi, 2001). حفاری‌های شیخی‌آباد و جانی نیز از پروژه‌های زاگرس مرکزی در پیش‌از تاریخ بود که توسط هیأت ایرانی دانشگاه بوعلی و هیأت انگلیسی انجام گرفت (محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰) و در این اواخر پروژه نجات‌بخشی سد سیمره، یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های نوسنگی در زاگرس مرکزی بعد از انقلاب اسلامی ایران است (حصاری، ۱۳۸۹؛ دارابی، ۱۳۸۸؛ اکبری، ۱۳۸۹).

روش پژوهش

روش تحقیق بر اساس هدف، بنیادی است و روش کار توصیفی-تحلیلی — تاریخی و انسان‌شناسانه است. مدل مفهومی مبنایی است که طرح کلی پژوهش بر آن استوار است. این چهارچوب یا مدل شبکه‌ای از روابط بین متغیرهایی است که براساس بررسی پیشینه پژوهش شناسایی شده‌اند. فرض می‌شود که این متغیرها باعث شکل‌گیری مسأله پژوهش می‌شوند. مدل مفهومی مرحله مهمی در فرایند پژوهش است، زیرا روابط بین متغیرها را برقرار و نوع تئوری‌هایی را که این نوع روابط را

بریدوود بنیان نهاده شد، کار با مطالعات چندرشته‌ای منظم بر روی اولین مراحل استقرار انسان بر روی دامنه تپه‌ماهورهای حاصل‌خیز هلالی‌شکل آغاز گشت و هدف اصلی این پروژه، موضوع تولید غذا بود (Braidwood & Howe, 1960). در سال ۱۹۶۳ م. هیأت دانمارکی با حمایت موزه Aarhus فعالیت‌هایی را در منطقه پشتکوه آغاز کرد و این فعالیت‌ها با حفاری در تپه‌گوران و نقشه‌برداری از دره هلیلان دنبال شد (Meldgard et al., 1963). جودیت پولار به حفاری در تپه‌عبدالحسین در سال ۱۹۷۸ م. پرداخت (Pullar, 1990) اما شاید فراگیرترین پروژه با حمایت موزه سلطنتی اونتاریو در سال ۱۹۶۱ م. تعریف شد و در سال ۱۹۶۵ م. با حفاریات گسترده گودین‌تپه (Young, 1969) و تپه سه‌گابی (Hamlin, 1973) آغاز شد و با بررسی در دشت کنگاور ادامه یافت. این مطالعات به سرعت توسط دیگر پروژه‌هایی که آن‌ها هم تحت حمایت مالی موزه سلطنتی اونتاریو بودند، دنبال شد که از جمله پروژه‌ها، بررسی ماهیدشت بود. کانادایی‌ها هم اطلاعات خود را درباره دوره‌های اولیه زاگرس مرکزی با پنج فصل حفاری در گنج‌دره اعتلا بخشیده بودند، این حفاری‌ها به حمایت دانشگاه مونترال از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۴ م. ادامه داشت (Smith, 1976).

در همین‌زمان بررسی‌های گوناگونی در زاگرس مرکزی انجام گرفت که تا حدی دانش ما را از دوره آغازین منطقه گسترش داد، این بررسی‌ها شامل بررسی‌های متمرکز در غرب ایران

شده‌اند. با برداشت لایه سطحی تپه، معماری چینه‌ای در سطح مشخص گردید. با بررسی این بقایا مشخص شد که این فضاهای معماری را می‌توان به دو بخش ساختمان شماره یک و بنای شماره دو طبقه‌بندی کرد. در ساختمان شماره یک چند اتاق با یک فضا شبیه حیاط در ضلع جنوبی دیده می‌شود. در داخل این فضا بقایای استخوان حیوانات، قطعات مختلف ابزار سنگی، تعدادی توکن و غیره به دست آمد. بنای شماره دو یک اثر منحصر به فرد از دوران نوسنگی است. این بنا که در غرب ساختمان یک واقع است، به شکل حرف T است و دیوارهای آن برخلاف بنای شماره یک، بسیار قطور است، به نحوی که قطر این دیوار به ۸۰ سانتی‌متر می‌رسد. بنا در جهت شمالی جنوبی ساخته شده است و در ضلع جنوبی یا انتهای فضا اسکلت سر چهار بزکوهی و یک گوسفند وحشی به شکل بسیار دقیقی قرار داده شده است. نکته جالب در مورد این اسکلت‌های حیوانی، استفاده از رنگ گل‌اختری بر روی دندان‌های آن‌هاست. طول شاخ یکی از این بزها ۹۴ سانتی‌متر است. متأسفانه به دلیل واقع شدن در بالاترین سطح تپه و در اثر شخم سالیانه لطمات جدی بر این آثار وارد آمده است به نحوی که نوک تا قسمت‌های میانی شاخ‌ها از بین رفته است. با توجه به تفاوت این فضا و بزرگی آن و قطر دیوارها شاید بتوان این فضا را یک فضای مقدس نام گذاری کرد. با لحاظ این نکته و در نظر گرفتن داده‌های رادیو کربنی قدمت این فضا حدود ۱۰۰۰ سال بیشتر از تپه گنج‌دره است. در گوشه دیگری از این اتاق

تأیید کرده‌اند، مشخص و ماهیت جهت روابط را تبیین می‌کند. روش یافته‌اندوزی داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است و با تطبیق و مقایسه داده‌های هم‌زمان و با تطبیق و تحلیل آن‌ها، به نتیجه‌گیری پرداخته است.

توصیف معماری محوطه‌های نویافته نوسنگی بدون سفال در زاگرس مرکزی

تپه شیخی‌آباد در دره حاصل‌خیز دینور - صحنه و در دو کیلومتری شمال روستای کرتویج و حدود یک و نیم کیلومتری شرق علی‌آباد و در خط مستقیم در شمال کرمانشاه واقع است. این محوطه در ارتفاع ۱۴۲۵ متری از سطح دریا واقع شده و با کوه‌هایی با ارتفاع متوسط ۲۴۰۰ متر احاطه گشته است. ارتفاع تپه شیخی‌آباد نسبت به اطراف به ۶ متر می‌رسد و وسعت تقریبی آن با ابعاد ۸۰×۱۳۰ متر نزدیک به یک هکتار است، از کناره شرقی تپه شیخی‌آباد یک رود فصلی می‌گذرد و سطح محوطه نیز مورد کشاورزی قرار گرفته و همچنین دامنه شرقی آن به دلیل خاک‌برداری تخریب گشته است. این محوطه در بررسی سال ۱۳۸۲ ش. شناسایی شد. این محوطه به جز لایه سطحی دوره اشکانی، به طور کامل یک تپه نوسنگی بدون سفال با ۱۰ متر توالی بقایای استقراری است (محمدی‌فر، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷). لایه سطحی که احتمالاً دارای آثار معماری بوده و از بین رفته است. دلیل این ادعا کشف تعدادی جسد در سطح تپه است که احتمالاً در کف منازل دفن شده بودند. به دلیل گذشت زمان طولانی این اسکلت‌ها به شدت فرسوده

باشند. ساختمان معروف به شماره ۲ در غرب ساختمان یا مجموعه شماره ۱ بوده و تنها متشکل از یک اتاق بزرگ‌تر از دیگر ساختارها با فضایی در حدود ۴×۲ متر و دیوارهای ساخته‌شده از ترکیب خشت‌های نامنظم و چینه به ضخامت حدود ۸۰ سانتی‌متر است. جهت این اتاق نیز مشابه اتاق‌های ساختمان شماره ۱ بوده و به مانند آن‌ها فاقد ورودی است. ارتفاع دیوارها بین ۲۲ سانتی‌متر در جنوب تا ۴۲ سانتی‌متر در شمال شرق اتاق متغیر است (Matthew, 2009: 95)، (تصویر ۲).

تپه چیا سبز شرقی

محوطه چیا سبز شرقی در منطقه رماوند بخش کونانی از توابع شهرستان کوهدشت در استان لرستان و در کنار رودخانه سیمره قرار گرفته است.^۱ رودخانه سیمره از تلاقی جریان‌های رودخانه‌ای گاماسیاب و قره سو به وجود می‌آید و پس از عبور از تاقدیس‌های مختلف و پیچ‌های زیاد در محل برخورد با تاقدیس بزرگ کبیرکوه، با رودخانه کشکان یکی می‌شود (أبرلندر ۱۳۷۹، ص ۱۴۵) و رود کرخه را تشکیل می‌دهد. دبی بالای این رود و قابلیت‌های زمین‌شناختی منطقه زمینه ایجاد سد بر روی آن را فراهم آورد، سد سیمره از جمله سدهای بزرگ با ظرفیت ذخیره‌سازی ۳ میلیارد و ۲۱۵ میلیون متر مکعب است که ساختگاه آن در ۳۵ کیلومتری شمال غرب شهر دره شهر و در

بقایای یک دستاس سنگی و استخوان یک پرنده به دست آمد. لازم به ذکر است بقایای احتمالی دوره اشکانی در اثر شخم‌زنی سطح تپه از بین رفته‌اند و لذا محدود به چند تدفین و قطعات سفالی گشته است.

در ترانشه ۳ بیشترین آثار معماری که مشتمل بر دو مجموعه هستند، به دست آمد. این آثار درست در زیر لایه سطحی نمایان شدند. به‌طور کلی در این ترانشه، ۱۹ فضای اتاقک شناسایی گشته که تاکنون تنها در ۵ فضا از آن‌ها کاوش صورت گرفته است. در مجموعه شماره ۱ دیوار اتاقک‌های مکشوفه از چینه ساخته شده و به شکل منظم و زاویه‌دار هستند، کف آن‌ها نیز از خاک کوبیده تشکیل شده است. این اتاقک‌ها در جهت جنوب غربی - شمال شرقی بنا شده‌اند، اما فاقد هرگونه ورودی هستند. ابعاد آن‌ها معمولاً بین ۱/۸ تا ۲/۵ متر است و ضخامت دیوارها نیز متفاوت بوده و بین ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متر متغیر است. ارتفاع دیوارها هم بین ۱۷ تا ۵۵ سانتی‌متر است. گفتنی است در داخل یکی از فضاها (شماره ۱۵) آثار پشتیبان مشخص گشته که از ضخامت ۲۲ سانتی‌متر و طول ۳۴ سانتی‌متر برخوردار است. نکته قابل ذکر دیگر، وجود یک تدفین بچه در گوشه شمال غربی این فضا است. بررسی جهت دیوارها نشان می‌دهد دیوارهای مرتبط با فضاها ۱۴، ۱۹ و ۱۱ با دیگر دیوارها تناسب ندارند و لذا احتمالاً نسبت به آن‌ها ساخت جدیدتری داشته

^۱ با آگیری سد سیمره محوطه به صورت کامل زیر آب رفته و لذا اطلاعات باستان‌شناسی آن محدود به نتایج کاوش‌های فصل اول به

سرپرستی حجت دارابی و فصل دوم به سرپرستی مرتضی حصارى است.

و کاوش فصل دوم از اردیبهشت تا مرداد ۱۳۸۹ ش. به صورت عمودی و گسترده انجام گرفت.

بقایای معماری

دارابی معتقد است که چیا سبز دارای هفت لایه باستانی است، همچنین می نویسد که بقایای معماری چیا سبز شرقی بیانگر وجود خانه های با نقشه سلولی شکل با استفاده از لاشه سنگ است. این بناهای سلولی شکل معمولاً اتاقک هایی زاویه دار با ابعاد کمتر از دو متر مربع بوده و معمولاً به هم متصل (به صورت مجموعه) هستند. کف معمولاً به صورت خاک کوبیده شده و یا بعضاً سنگ فرش بوده است. ساختارهای به دست آمده فاقد ورودی بوده (تصویر ۴) و لذا در دیگر محوطه ها اغلب از آنها با نام زیرزمین و انباری یاد شده که ظاهراً بر روی آنها طبقه ای دیگر معمولاً از چوب جهت سکونت ساخته شده است. اما هیچ گونه مدرکی دال بر وجود طبقه دوم در چیا سبز شرقی به دست نیامده است (دارابی، ۱۳۹۴، ص ۱۷). این گونه اتاقک ها از محوطه های متعددی مانند بیدها در اردن، موری بت در فرات علیا در سوریه، ام الدباغیه در شمال بین النهرین و نیز لایه D تپه گنج دره و لایه های فوقانی شیخی آباد شناسایی گشته اند، هر چند از مصالح متفاوتی در ساخت آنها استفاده شده است. چارلز ردمن کاربرد این بناهای سلولی شکل را انبار و محل فعالیت های روزمره می داند (Redman, 1983: 194). گفتنی است که مرحله هفتم (تحتانی) در ترانسه لایه نگاری ۲ فاقد هر گونه بقایای معماری

تنگه کم عرض راوندی به صورت بتنی و با ارتفاع ۱۲۸ متر از بستر رودخانه ساخته شده است. طول دریاچه سد ۴۵ کیلومتر به خط مستقیم منطقه ای بین محل ایجاد بدنه سد در رماوند تا تنگه سازبن به عنوان حوضه آبرگیر یا دریاچه را دربر می گیرد. پس از گذشت حدود یک دهه از شروع مطالعات اولیه جهت ساخت سد، بالاخره در سال ۱۳۸۶ ش. حوضه دریاچه آن به سرپرستی رسول بروجنی مورد بررسی باستان شناسی قرار گرفت (بروجنی، ۱۳۸۶). از جمله محوطه های شناسایی شده در این بررسی، چیا سبز شرقی بوده که با نام «چیا سبز رماوند» ثبت گشته است. این محوطه در فاصله ۸/۵ کیلومتری محل ساخت سد سیمره به خط مستقیم و در ارتفاع ۶۶۲ متر از سطح دریا واقع شده است. چیا سبز شرقی چسبیده به ساحل چپ رودخانه سیمره و مشرف به آن در محل ورودی شرقی تنگه چیا سبز قرار دارد (تصویر ۳). محوطه بر روی بستر صخره ای کناره رودخانه ایجاد گشته و عمدتاً به وسیله رسوبات دفن شده است. به نظر می رسد منشأ این رسوبات کوه های نرم و مارنی است که در شمال آن قرار گرفته اند؛ همگام با شیب بستر صخره ای مذکور لایه های فرهنگی محوطه نیز از شیب غربی-شرقی برخوردار بوده و این امر باعث شده تا ضخامت نهشته های فرهنگی در قسمت شرقی به مراتب بیش تر باشد (دارابی، ۱۳۸۸). پس از بررسی اولیه و امکان سنجی محوطه و نیز سنجش نحوه شکل گیری آن، کاوش فصل اول از اواسط اسفند ۱۳۸۷ تا اواخر اردیبهشت ۱۳۸۸ ش. به صورت عمودی و افقی انجام گرفت

و متشکل از نهشته‌های خاکستر بوده که می‌تواند نشانگر این موضوع باشد که ساکنان اولیه چیا سبز شرقی تا نیمه دوم هزاره نهم ق.م. به صورت فصلی و موقتی در این محوطه ساکن بوده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد از این زمان به بعد دست به ساخت بناهایی از لاشه‌سنگ زده و به سوی یکجانشینی گام برداشته‌اند. آن چیزی که باید مد نظر قرار داد این است که بقایای معماری چیا سبز شرقی از نظر نقشه همگام با دیگر محوطه‌های منطقه بوده است، هر چند به دلیل دسترسی آسان به سنگ از آن به جای دیگر مصالح مانند چینه یا خشت استفاده گسترده‌ای شده است (دارابی، ۱۳۹۱).

ولی مرتضی حصارى با حفاری گسترده‌تر در چیا سبز به همراه ترانشه لایه‌نگاری بزرگ‌تر به نتایج دیگری در مورد معماری این محوطه رسیده است. حصارى در این محوطه در مجموع چهارده مرحله معماری سنگی به دست آورده است (حصارى و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۷) حصارى می‌نویسد: «کارگاه‌های ۴ تا ۶، هر کدام به ابعاد ۱۰×۱۰ متر مربع به منظور شناخت در خصوص بافت احتمالی استقرارى باز گردید. این کارگاه بزرگ تا عمق ۳ متر دارای رسوبات بود. با به‌کارگیری تعداد زیادی از کارگر و وسایل مکانیکی، برداشت رسوبات طبیعی آغاز و فضای بزرگی آزاد گردید. بعد از برداشت رسوبات طبیعی و استفاده از روش پی‌گردی دیوارهای سنگی، هیأت کاوش موفق به شناسایی بافت روستای نوسنگی بی‌سفال گردید. بافت روستای نوسنگی بی‌سفال بیش از ۳۰۰ متر مربع آزاد گردید.

دیوارهای خانه تقریباً راست‌گوشه و پاشنه‌های سنگی درهای ورودی به‌خوبی از تفکیک واحدها نشان می‌دهد. واحدهای معماری دارای کف‌سازی بودند. در کف برخی از واحدها، تدفین انسانی نیز شناسایی گردید. روستا دارای معبرهای عمومی است که ساکنین به‌منظور دسترسی به واحدهای مسکونی از آن استفاده می‌کردند (تصویر ۵). نوع معماری چیا سبز شرقی با نمونه‌های بین‌النهرینی خود مانند جارمو و کریم‌شهر که کناره یک پرتگاه با شیب تند در حاشیه رودخانه برای سکونت انتخاب شده است، شباهت دارد. یافته‌های ابزارهای سنگی این محوطه شامل ابزار تیغه، ریزتیغه، سنگ مادر و تیغه از جنس‌های مختلف به مانند ابسیدین می‌باشند» (حصارى و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۸). اکثر فضاها دارای اندازه بین ۲ متر در ۱/۵ تا ۱۸۰ سانتی‌متر داشته‌اند و فضاها تقریباً کوچک بوده‌اند و نیازهای یک تا دو نفر را تأمین می‌کرده‌اند. این دیوارها راست‌گوشه بوده‌اند و هیچ نقشه دایره‌ای در محوطه چیا سبز شرقی دیده نشده است. اندازه تقریبی دیوارهای دارای طول بین ۳۵ تا ۸۰ سانتی‌متر بوده‌اند. و ارتفاع باقی‌مانده از اکثر دیوارها یک تا دو رج سنگ است که ارتفاعی بین ۴۰ تا ۶۰ سانتی‌متر دارند.

کپرگاه

محوطه کپرگاه در استان لرستان واقع شده و در تقسیمات کشوری از توابع شهرستان کوهدشت، بخش کونانی است ولی نزدیک‌ترین مرکز شهری به این محوطه شهر بدره در استان ایلام است.

نزدیک‌ترین روستا به نام دول‌کخا در حدود چهار کیلومتری محوطه قرارداد این محوطه در عرض شمالی ۳۴ ۲۰ ۳۳ و طول شمالی ۱۶ ۰۶ ۰۴۷ در ارتفاع ۶۶۵ متری از سطح دریا واقع شده است. محوطه کپرگاه در اول دشت چم‌قویله و کنار تنگه صعب‌العبور چم‌قویله واقع شده است و به‌خاطر صعب‌العبور بودن محل زیست حیوانات وحشی منطقه است. خود محوطه نیز بر روی پشته اول یک تراس دو پشته‌ای واقع شده است و حدود ۶ متر آثار رسوب شن و ماسه روی محوطه را پوشانده است کپرگاه کاملاً یک محوطه باز و از لحاظ وسعت کوچک و کم‌تر از ۱۰۰۰ متر مربع وسعت آن است و پراکندگی ابزارهای متعلق به محوطه اندک و به‌ندرت در اطراف محوطه ابزارهای سنگی به‌دست می‌آید. شکل آن شبیه به یک مستطیل با طول حدود ۵۰ متر و عرض تقریبی ۲۰ متر است. خود محوطه بر روی کف دشت قرار نگرفته بلکه بلندتر از دشت اطراف خود است و باگذشت زمان رسوباتی حدود ۶ متر روی محوطه را پوشانده است. فاصله محوطه تا رودخانه سیمره کمتر از یکصد متر است و زمین‌های اطراف محوطه در حال حاضر بسیار مستعد کشاورزی و چرای دام هستند. این تپه به‌طور کامل متعلق به دوره نوسنگی بی‌سفال است و در تمام لایه‌های آن هیچ اثری از زندگی در دیگر دوره‌ها مشاهده نشد (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۳۸-۳۷). (تصویر ۶).

از لحاظ معماری هر دو کارگاه یک وضعیت معماری داشتند. مراحل استقرار در کارگاه شماره ۱ آثار معماری ضعیف بود. آثار اندکی از معماری

گرد در مرحله دوم استقراری مشخص شد و فقط در مرحله سوم استقراری معماری مشخصی نمایان گشت اما در کارگاه شماره ۲ معماری نسبتاً محکم‌تر و بهتری هویدا شد که نشان می‌داد ساکنین این محوطه در یک روستا با خانه‌هایی که معماری سنگی و راست‌گوشه داشته‌اند زندگی می‌کردند. در مجموع در هر کارگاه این محوطه ۳ فاز معماری مستقل به‌دست آمد. در کارگاه شماره ۱ یک مرحله سوم معماری شامل سه پاره دیوار که دو پاره متصل به‌هم و یک دیوار جدا و منفصل بود (تصویر ۷) دیوار تک و منفصل در گوشه جنوب‌شرق کارگاه واقع شده بود و با سنگ‌چین با ملات گل ساخته شده بود، اندازه آن ۱۸۰×۴۰ سانتی‌متر بود و سنگ‌های تشکیل‌دهنده آن به‌ابعاد متوسط ۲۴×۳۵ سانتی‌متر بودند. این دیوار به‌نظر گرد می‌آید که از سمت شرق و جنوب منتهی به دیواره ترانشه است. دو پاره دیوار متصل به‌هم، که شامل دیوار بزرگ‌تر دارای جهت شمالی-جنوبی است و اندازه آن ۵۰×۳۰ سانتی‌متر با قلوه‌سنگ بزرگ دارای ملات گل که در قسمت انحنا زاویه دیوار از دو ردیف سنگ تشکیل یافته است. اندازه متوسط سنگ‌ها ۲۴×۱۸ و ۴۲×۵۳ سانتی‌متر بوده و دیوار کوچک‌تر ضخامت آن ۴۰ سانتی‌متر است. اندازه متوسط سنگ‌ها ۲۴×۳۸ سانتی‌متر و در محل اتصال دو دیوار تشکیل یک زاویه قائمه را داده‌اند. تمامی دیوارهای این کارگاه کم‌عرض ساخته شده بودند و مانند نمونه‌های گنج‌دره D هستند (اسمیت، ۱۳۷۶، ص ۵۱). در مرحله دوم استقراری در کارگاه شماره دو معماری نسبتاً کاملی نمایان

این‌گونه اتاقک‌ها از محوطه‌های متعددی مانند لایه D تپه گنج‌دره و لایه‌های فوقانی شیخی‌آباد شناسایی شده‌اند، هرچند از مصالح متفاوتی در ساخت آن‌ها استفاده شده است. احتمالاً کاربرد این بناهای سلولی‌شکل، انبار و محل فعالیت‌های روزمره بوده است. گفتنی است که مرحله چهاردهم (تحتانی) در ترانسه لایه‌نگاری چیا سبز فاقد هرگونه بقایای معماری و متشکل از نهشته‌های خاکستر بوده که می‌تواند نشانگر این موضوع باشد که ساکنان اولیه چیا سبز شرقی تا نیمه دوم هزاره نهم ق.م. به صورت فصلی و موقتی در این محوطه ساکن بوده‌اند، اما به نظر می‌رسد از این زمان به بعد، دست به ساخت بناهایی از لاشه‌سنگ زده و به‌سوی یکجانشینی گام برداشته‌اند. آن چیزی که باید مد نظر قرار داد این است که، بقایای معماری چیا سبز شرقی از نظر نقشه، همگام با دیگر محوطه‌های منطقه بوده است، هرچند به دلیل دسترسی آسان به سنگ، از آن به جای دیگر مصالح مانند چینه یا خشت استفاده گسترده‌ای شده است.

مطالعات در کپرگاه نشان می‌دهند که استقرارهای نخستین در این تپه از نوع استقرارهای موقت بوده و به همین جهت سازه مشخصی در آن شکل نگرفته است. به تدریج با گذر از سطوح تحتانی به فوقانی نشانه‌هایی از ساخت بنا مشاهده می‌شوند و در واقع انتقال از لایه‌های بدون معماری به لایه‌های دارای معماری شکل می‌گیرند و طبقات نیز کم‌کم قابل تفکیک می‌شوند. اتاق‌ها در سطوح زیرین لایه‌های نوسنگی بدون سفال از قله‌سنگ

شد. چهار فضای مستقل از هم و منفک به دست آمد که هرکدام شرایط خاص خود را داشتند. دیوارها از لاشه‌سنگ با ملات گل که یکی از فضاها کف‌پوش گچی سراسر آنرا در بر گرفته بود در بعضی از آنها کندو جهت انبار ساخته شده بود و هاون بزرگی نیز داخل حیاط یا اطاق بزرگ قرار داشت (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۴۰-۳۹). (تصویر ۸).

تحلیل کلی معماری دوره نوسنگی پیش از سفال دشت سیمره و محوطه شیخی‌آباد

یکی از وجوه تمایز و یا ابداعات بزرگ دوره نوسنگی پیش از سفال در مقایسه با دوره قبل تغییر شکل بناهای مدور و بیضوی به اتاق‌های چهارگوش است. علاوه بر این‌ها بنا دارای یک ورودی نیز هست، ساختمان‌های این دوره اغلب دارای چندین اتاق مسدودند که به لحاظ ریخت‌شناختی مفهوم مالکیت مشترک را می‌رساند. شاخص‌ترین بناهای این دوره از محوطه‌های زاگرس مرکزی مانند گنج‌دره، آسیاب و عبدالحسین به دست آمده‌اند.

الگوی استاندارد ساخت بناها با نقشه چهارگوش یا نیمه چهارگوش چند اتاقه همراه با کف و دیوارهای اندود شده که در نوسنگی پیش از سفال ب متداول بود. روی هم رفته معماری در این دوران ساده و بی‌پیرایه بوده است. بناها مساحتی کوچک داشته و دارای اتاق‌هایی با اشیاء غیرخانگی بوده که اغلب از آن‌ها به عنوان واحدهای ذخیره‌سازی آذوقه تعبیر می‌شود.

مصالح بیشتر با توجه به محیط کوهستانی سنگی هستند.

از لحاظ نقشه کلی ساختمان، اتاق‌های کوچک با انباری یا تاپوهای کوچک و وجود اجاق‌هایی یک یا دوگانه و هاون‌هایی در میان آن‌ها که مکان‌هایی برای سکونت جمعیت اندک بوده است، که این نوع نقشه در محوطه‌های منطقه زاگرس شمالی مانند جارمو دیده می‌شود و نشان از تأثیرات متقابل نوع و سبک نقشه کلی معماری این دو منطقه بر هم دارد. مصالح مورد استفاده در محوطه‌های دشت سیمره به صورت سنگ رودخانه‌ای و ملات گچ و آهک بوده است ولی در محوطه شیخی‌آباد از خشت استفاده شده است. در همه لایه‌ها، دیوارها راست و یا با زوایه‌ای نزدیک به قائمه به هم متصل می‌شدند و فضایی ۴ ضلعی شبیه به مستطیل ایجاد می‌کردند. کف‌سازی به شیوه مشابه در تمامی مراحل استقرار در محوطه‌ها مرسوم بوده است. در گزارش‌های کاوش چندین پاشنه در یافت شده و برطبق نقشه بنا، جای در یا درگاه نیز مشخص است. اتاق‌ها معمولاً ۴ ضلعی است که در بیشتر موارد نزدیک به مستطیل می‌شود. به‌طور میانگین مساحت آن‌ها ۶ تا ۱۲ متر را در بر می‌گرفت. همه محوطه‌های مورد مطالعه در قسمت‌های مرتفع ساخته شده‌اند. ویژگی عمده و مشترک بناهای مورد مطالعه این منطقه آن است که کلیه مصالح به‌کاررفته بوم‌آور و قابل دسترس در منطقه است و بیشتر مصالح به‌کاررفته سنگ با ملات گچ و آهک است و از لحاظ نوع نقشه نیز اقتصاد معیشتی جمع‌آورنده و شکارورز باعث شده

خشکه‌چین ساخته شده و اجزاء داخل آن‌ها به دفعات مرمت و بازسازی شده‌اند. به‌عنوان نمونه، کف یکی از طبقات هفت بار اندود شده در همین طبقه دو اجاق ساده نیز به‌دست آمده که درون اتاق‌ها قرار داشتند و در واقع نوع ساده‌ای از بخاری دیواری محسوب می‌شوند. بناها در این دوره چند اتاقه و معمولاً اتاق بزرگ‌تر دارای یک اجاق است. افزایش ابعاد بناها به معنای استفاده بیشتر از فضای داخلی جهت انجام فعالیت‌های خانگی مانند تولید و ذخیره‌سازی محصولات خانگی است. وجود دیوارهایی سنگی و رج‌چین، استفاده از اندود گچ، به‌کارگیری روش‌های قفل‌وبست دیوار، پی‌سازی دیوار، زیرسازی کف و کنترل دود حاصل از اجاق در فضای بسته همگی نشانه‌های پیشرفته بودن معماری این محوطه‌هاست.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالعه صورت‌گرفته در این ناحیه، اقتصاد معیشتی جمع‌آورنده و شکارورز تأثیر به‌سزایی در نوع معماری این محوطه‌ها و نوع نقشه آن‌ها داشته است. محوطه‌های این دوره بیشتر مسکونی صرف بوده است و جایی به‌صورت اقتصادی برای نگه‌داری گله و رمه در نظر گرفته نشده است و این موضوع نشان از اقتصاد معیشتی در این منطقه و مناطق همجوار دارد. از لحاظ شباهت نوع معماری در محوطه‌های این دوره در زاگرس مرکزی همگی دارای نقشه نامنظم و دیوارهای راست‌گوشه سنگی یا خشتی هستند و

است که نقشه کلی محوطه‌ها بیشتر به صورت خانه‌های با اتاق‌های تو در تو و متکثر هستند و کمتر فضایی برای کارهای اقتصادی مانند نگهداری رمه و گله در نظر گرفته شود (جدول ۱).

منابع

ابرلندر، تئودور (۱۳۷۹). *رودخانه‌های زاگرس*. ترجمه معصومه رجبی و احمد عباس‌نژاد، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.

اسمیت، فیلیپ. (۱۳۷۶). «نوآوری‌ها و تجارب معماری در گنج‌دره، ایران». ترجمه کامیار عبدی. اثر شماره ۲۸: ۴۹-۶۰.

اکبری، حسن (۱۳۸۹). *گزارش مقدماتی کاوش محوطه کپرگاه*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).

_____ (۱۳۹۴). «کپرگاه ۵، محوطه‌ای کوچک و میان‌کوهی از دوره نوسنگی بی‌سفال». *پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد سیمره*. به‌کوشش لیلی نیاکان، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری؛ شرکت توسعه صنایع آب و نیروی ایران: ۳۴-۴۳.

حصاری، مرتضی (۱۳۸۹). *گزارش فصل دوم کاوش نجات‌بخشی محوطه چیا سبز شرقی، حوضه سد سیمره*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).

حصاری، مرتضی، امیری، مصیب و میربلوکی، سیدمحسن (۱۳۹۴). «چیا سبز شرقی روستای نوسنگی بی‌سفال سیمره، حوزه فرهنگی زاگرس مرکزی». *پژوهش‌های باستان‌شناسی*

حوضه آبگیر سد سیمره. به‌کوشش لیلی نیاکان، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری؛ شرکت توسعه صنایع آب و نیروی ایران: ۲۵-۳۳. دارابی، حجت (۱۳۸۸). *گزارش فصل اول کاوش نجات‌بخشی محوطه نوسنگی بی‌سفال چیا سبز شرقی-سد سیمره*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).

_____ (۱۳۹۱). «نویافته‌های معماری از دوره نوسنگی در محوطه چیا سبز شرقی، سد سیمره». *اثر ۵۱: ۴۶-۵۵*.

_____ (۱۳۹۴). «فصل اول کاوش نجات‌بخشی در محوطه نوسنگی بی‌سفال چیا سبز شرقی، سد سیمره». *پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد سیمره*. به‌کوشش لیلی نیاکان، تهران: پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری؛ شرکت توسعه صنایع آب و نیروی ایران: ۱۲-۲۴. محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۶). «گاه‌نگاری دشت صحنه». *مجله مطالعات ایرانی* شماره ۱۱: ۱۹۵-۱۷۳.

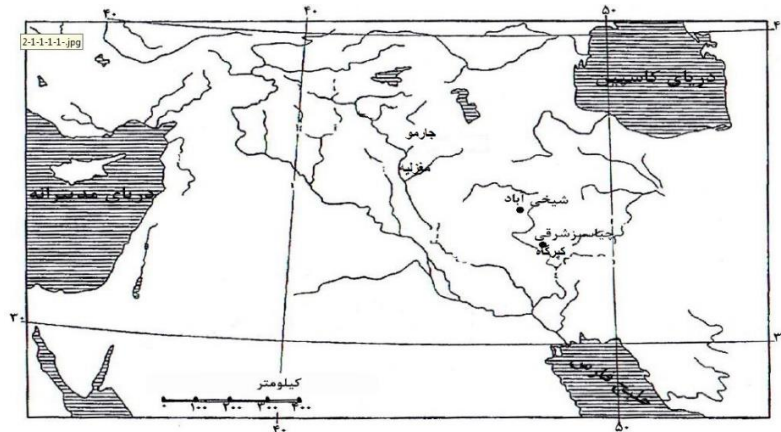
محمدی‌فر، یعقوب؛ متیوس، روجر؛ متیوس، وندی و مترجم، عباس (۱۳۹۰). «پروژه باستان‌شناسی زاگرس مرکزی (CZAP) گزارش مقدماتی کاوش و بررسی در تپه‌ی شیخی‌آباد صحنه و تپه‌جانی اسلام‌آباد غرب». *پژوهش‌های باستان‌شناسی*. شماره ۱ دوره اول: ۳۰-۹.

سیدین‌بروجنی، سیدرسول (۱۳۸۶). *بررسی‌های باستان‌شناسی در حوزه سد سیمره*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی (گزارش منتشر نشده).

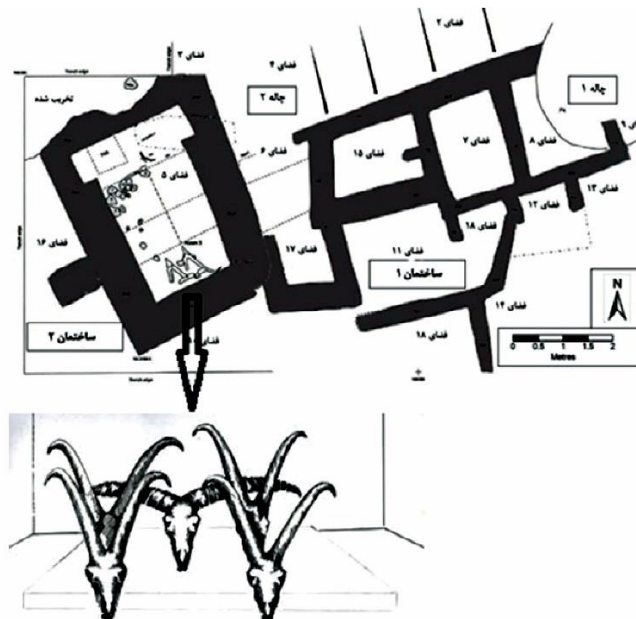
- Meldgaard, j.Mortensen, P.Thrane, H. 1963«Excavations at Tepe Guran, Luristan» *Acta Archaeologica XXXIV*.PP 97-133
- Pular, Judith 1990«Tepe Abdul Hosein: A Neolithic Site in Western Iran – Excavations 1978» *British Archaeological Reports, International Series* 563
- Redman, C. L. (1983). "Regularity and Change in the Architecture of an Early Village". in C. Young, P. Smith and P. Mortensen (eds.), **The Hilly Flanks**, Studies in Ancient Oriental Civilization, No. 36, The Oriental Institute of the University of Chicago: 189-206.
- Smith. Philip E.L 1976«Reflection on four seasons of excavations at tappeh Ganj Dareh Proceeding of the IV th Annual Symposium on Archaeological Research in Iran.F.Bagherzadeh(Ed), Tehran Iranian Center for Archaeological Research, Muzeh-e Iran-e Bastan, and Tehran
- Young, T.Cuyler Jr; 1969 «Excavations at Godin Tepe ProgresReport»Occasional Paper 17 Art &Archaeology, Royal Ontario Museum (ROM)
- Zeder, M.A 1999«Animal Domestication in the Zagros: A Review of Past&Current research» *Paleorient* 25.2 pp 11-25
- Abdi, Kamyar.2001"Islamabad Project 2000" *Iran* 39 pp299-300
- Braidwood. Robert.J and Bruce Howe (1960), «Prehistoric investigation in IRAQI Kurdistan» the Oriental Institute of the University Of Chicago, Studies in Ancient Oriental Civilization. No.31
- Byrd, B.F 1994«Public and Private domestic and corporate: The Emergence of the southwest Asian village»*American Antiquity* 59.4 pp 639-666
- Contenau, J & Ghirshman, R. (1935). **Fouilles du Tepe Giyan pre de Nehavand 1931-1932**, Libraire Orientaliste Paul Geuthner, Paris.
- Hamlin, Carol.1973«The 1971 Excavations at Se Gabi, Iran» *Archeology* 26 No3 pp 224-228
- Hole, Frank; 1984«A Reassessment of the Neolithic Revolution»*Paleorient* 10 : 49-60
- Hole, Frank; 2000«Is Size Important? Function And Hierarchy in Neolithic Settlements»In Kuijt, I. (ed) *Life in Neolithic Farming Communities: Social Organization, Identify, and Defferentiation*, Kluwer Academic/Plenum, New York: 165-190
- Matthews, R. Mohammadifar, Y. Motarjem, A & Matthews, W. (2009). "The Central Zagros Project (CZAP)" *Antiquity* Vol 82, Issue 322, September 2010.

جدول ۱. مقایسه عناصر معماری در محوطه‌های مورد مطالعه

محوطه	چیا سبز	کپرگاه	شیخی آباد
کف‌سازی	کف خاکی	کف گچی	کف خاکی
موقعیت مکانی	در بلندی	در بلندی	وسط دشت
پی	پی سنگی	پی سنگی	پی خاکی
مصالح	سنگ و گچ	سنگ و گچ	خشت
محل ذخیره	تاپو	تاپو	چاله ذخیره
نقشه	نامنظم مستطیلی	نامنظم مستطیلی	نامنظم مستطیلی
اجاق	دارد	دارد	دارد
اتاق تودرتو	دارد	دارد	دارد



تصویر ۱. موقعیت محوطه‌های نویافته زاگرس مرکزی و محوطه‌های هم‌زمان آن‌ها در بین‌النهرین.



تصویر ۲. معماری تپه شیخی آباد (مأخذ: محمدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۴، نقشه شماره ۲).



تصویر ۳. نمای کلی محوطه چیا سبز در کنار رودخانه سیمره، دید از جنوب غرب (دارابی، ۱۳۹۴، ص ۱۴، تصویر ۲).



تصویر ۴. نمای کلی ترانسه ۳ و بقایای معماری مکشوفه از آن (دارابی، ۱۳۹۴، ص ۱۶، تصویر ۷).



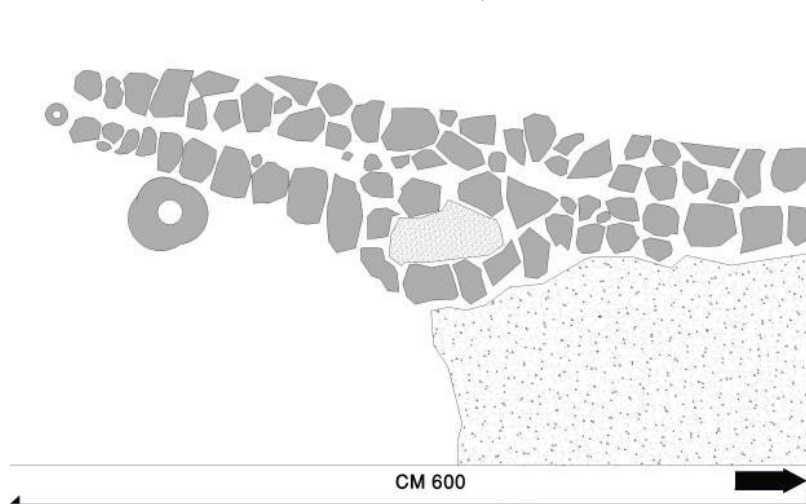
تصویر ۵. بافت روستای نوسنگی بی سفال چیا سبز (حصاری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۸، تصویر ۳).



تصویر ۶. نمایی از محوطه کپرگاه ۵ پیش از کاوش (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۳۸، تصویر ۴).



تصویر ۷. نمایی از معماری مرحله سوم کارگاه شماره ۲ (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۳۹، تصویر ۵).



تصویر ۸. نمایی از معماری مرحله دوم کارگاه شماره ۲ (اکبری، ۱۳۹۴، ص ۴۰، تصویر ۶).